

رئیس سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران در گفت‌وگو با «شرق» آخرین وضعیت سرمایه‌گذاری خارجی را توضیح می‌دهد

رویکردانی چین؛ اقبال روسیه



چین روی خوشی به سرمایه‌گذاری در ایران نشان نداد و ترجیح داد سرمایه خود را به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس ببرد. داده‌های سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران نشان می‌دهد سه سال گذشته میزان سرمایه‌گذاری چینی‌ها در ایران از افغانستان هم کمتر بوده است. رویکردانی غیرمنتظره چین از اقتصاد ایران در حالی رخ می‌دهد که همین آمار حاکی از آن است که سال گذشته روسیه بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی ایران بوده و حدود نیمی از سرمایه خارجی که به ایران وارد شده، از سوی روس‌ها بوده است.

البته جذب سرمایه خارجی برای اقتصاد ایران که گرفتار شدیدترین تحریم‌های بین‌المللی است، راحت نبوده است؛ کار سخت و طاقت‌فرسایی که این روزها مسئولیت را علی فکری، رئیس سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران است. معاون وزیر اقتصاد در صبح یک روز پاییزی به روزنامه «شرق» آمد تا توضیح دهد چگونه در روزهایی که شبکه بانکی تحریم و ریسک شراکت با ایران بالاست، سرمایه خارجی به ایران می‌آید. این دیپلمات سابق و مدیر اقتصادی فعلی توضیح می‌دهد جذب سرمایه خارجی، آن‌هم در این شرایط دشوار، ریزه‌کاری و فوت‌وفن‌های بسیاری دارد و گاهی پیچ‌وخم بوروکراسی اداره‌ای می‌تواند سرمایه‌گذار خارجی را فراری دهد.

◆ **به‌عنوان اولین پرسش؛ چرا آمارهای اقتصادی و ازجمله آمار سرمایه‌گذاری خارجی بین دستگاه‌های مختلف این همه متناقض و متفاوت است؟**

بر اساس قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی سه مدل ورود سرمایه به ایران به رسمیت شناخته می‌شود. یک مدل ورود سرمایه، سرمایه نقدی است که بانک مرکزی به‌عنوان مرجع در جریان آن قرار می‌گیرد. اما سرمایه‌ای که به صورت کالا یا تجهیزات به کشور وارد می‌شود، بانک مرکزی نقشی در اعلام آن ندارد. در واقع باید گفت بخش عمده‌ای از سرمایه خارجی که وارد کشور می‌شود، به صورت تجهیزات و کالا وارد می‌شود. البته کالا که می‌گویم، منظور کالای مصرفی نیست و منظور کالاهای قابل استفاده با مواد اولیه یا تجهیزاتی است که در خطوط تولید استفاده می‌شود. بنابراین این آمار در گزارش بانک مرکزی نمی‌آید؛ مگر اینکه سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران آن آمار را به بانک مرکزی داده باشد.

سومین شکل ورود سرمایه هم به صورت دانش فنی است که البته در ابتدای ورود قابل ارزیابی نیست؛ مگر اینکه بعد از این سازمان سرمایه‌گذاری بیاید برای آن ارزش‌گذاری بکند. بنابراین مرجع اعلام سرمایه‌گذاری خارجی سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران است.

◆ **در موردی تفاقم‌نامه‌ها به‌عنوان قرارداد خارجی تلقی شده و در آمار سرمایه‌گذاری خارجی لحاظ شده است. میل به آمارسازی چقدر در تفاوت‌های آماری نقش دارد؟**

در پاسخ به این پرسش من ناچار هستم که مقداری نحوه محاسبه آمارهای سرمایه‌گذاری و جلب و جذب سرمایه را توضیح بدهم؛ چون بدون آن روشن نمی‌شود ما درباره چه چیزی صحبت می‌کنیم.

اینکه بگویم دولت‌های قبیل یا دوره‌های قبل آمار غیرواقعی ارائه دادند، نه چنین چیزی هیچ‌وقت در سازمان سرمایه‌گذاری اتفاق نیفتاده است. اما اینکه چرا به این نقطه می‌رسیم؟ باید بگویم که ما باید چند نکته را در نظر بگیریم؛ اولاً سرمایه‌گذار خارجی برای ورود به ایران و سرمایه‌گذاری در ایران اجباری ندارد که بیاید مجوز سرمایه‌گذاری خارجی بگیرد. این خودش اولین نقطه‌ای می‌شود که اختلاف آماری ایجاد می‌کند. یعنی چه؟ یعنی تنها سرمایه‌دارانی که خودشان تمایل دارند از مزایای قانون حمایت و تشویق سرمایه‌گذاران خارجی ایران استفاده کنند، می‌آیند مجوز سرمایه‌گذاری خارجی می‌گیرند. پس شما همیشه با این پدیده در ایران مواجه هستید که سرمایه‌دارانی وجود دارند که به صورت مجلسی می‌آیند در ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند و سرمایه این افراد در آمار کسانیکه مجوز سرمایه‌گذاری خارجی را دریافت کرده‌اند، وارد نمی‌شود. خب این سرمایه چه زمانی وارد آمارهای رسمی می‌شود؟ بر اساس قانون، دستگاه‌هایی که سرمایه را از خارج می‌پذیرند، موظف هستند پس از یک سال آمارهای سرمایه‌گذاری‌شان را به سازمان سرمایه‌گذاری ارائه بدهند که در آمارها وارد شود. بنابراین بخشی از اختلاف آماری از اینجا ناشی می‌شود. آن چیزی که ما در سازمان سرمایه‌گذاری به‌عنوان آمار سرمایه‌گذاری و جلب سرمایه‌گذاری خارجی اعلام می‌کنیم، مربوط به آمار سرمایه‌دارانی می‌شود که آمده و خواسته‌اند از حمایت‌های قانون استفاده کنند و مجوز سرمایه‌گذاری در ایران را اخذ کرده‌اند. نکته دوم که مهم‌تر است، این است که زمان‌هایی بوده که مجوز‌هایی برای سرمایه‌گذاری خارجی صادر شده و درخواست مجوز ثبت می‌شود، اما بر اساس قانون سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند حداکثر تا شش ماه پس از تصویب این مجوز یا ابلاغ این مجوز، بخشی از سرمایه خود را وارد ایران کند و در غیر این صورت مجوز باطل می‌شود. آن اختلاف آماری که پدید می‌آید از اینجا ناشی می‌شود و مدیری به جای اینکه آمار سرمایه جلب‌شده را بدهد، آمار مجوز‌های اخشده سرمایه‌گذاری را می‌دهد. مجدداً ما در این قانون تبصره‌ای داریم که می‌گوید اگر سرمایه‌گذار خارجی به دلایلی در این شش‌ماه نتوانست سرمایه‌اش را وارد کند، می‌تواند بیاید درخواست کند که یک بار دیگر مجوزش تمدید شود و این تمدید مجوز گاهی دوباره در آمار سرمایه‌گذاری خارجی می‌آید که ما این رویه‌ها را در دولت سیزدهم اصلاح کرده‌ایم.

◆ **آمار دقیق سرمایه‌گذاری خارجی در دولت سیزدهم چقدر است؟**

در سال اول دولت سیزدهم برای ۸۰۹ میلیارد دلار سرمایه خارجی مجوز صادر شد. از این مقدار تاکنون پنج میلیارد دلار مجوز معتبر باقی مانده و ۳۰۹ میلیارد دلار از مجوزها در سال اول دولت سیزدهم باطل شده است. به چه معنا باطل شد؟ به این معنا که آن سرمایه‌گذاری که حالا به هر دلیلی اعلام آمادگی کرده بود برای سرمایه‌گذاری در ایران بیاید، منصرف شد و سرمایه‌اش را وارد ایران نکرد. البته از این پنج میلیاردی هم که می‌گویم حالا برای اینکه دوباره دوستان دچار تردید نشوند، ۴۰۸ میلیارد دلار مجوز جدید برای سرمایه‌گذاری خارجی است و حدود ۲۰۰ و خرده‌ای میلیون دلار سرمایه‌گذاری مجدد است. به این معنا که مثلاً شرکتی هست که از گذشته در ایران سرمایه‌گذاری کرده و برای آن سود عملیاتی ایجاد شده است و طبق قانون سرمایه‌گذاری خارجی ایران می‌تواند سودش را از کشور خارج کند، اما ترجیح داده سود خود را دوباره در ایران سرمایه‌گذاری کند.

البته این نکته را هم اضافه کنم که ما در سخت‌ترین شرایط ارزی هم سعی کردیم هر زمانی که سرمایه‌گذار خارجی درخواست کرده، سود عملیاتی آن را بپردازیم تا بتواند این سود را از ایران خارج کند. بنابراین باید بگویم در دولت سیزدهم سازمان سرمایه‌گذاری تلاش کرده به آمارهای واقعی پایبند باشد و این مسئله دو حسن دارد؛ یک اینکه جامعه اقتصادی می‌تواند ارزیابی کند واقعا چه مقدار سرمایه خارجی وارد کشور شده و دیگر اینکه می‌تواند تشخیص دهد از کدام بادی سرمایه وارد شده است و آت‌هایی که وارد نشدند به چه دلایلی نیاآمدند و این مسئله آسیب‌شناسی شود. البته این را هم بگویم که بسیاری از سرمایه‌گذاران از ابتدا بنا ندارند سرمایه را بیاورند؛ یعنی فقط به دلایل سیاسی می‌آیند مراحل را تکمیل می‌کنند.

◆ **منظوران از این جمله چیست که سرمایه‌گذار خارجی نه به قصد سرمایه‌گذاری بلکه به انگیزه سیاسی آمده است؟**

مثلاً شرکت توتال فرانسه، شرکت توتال فرانسه در سال‌های بعد از برجام که من خودم رایشن اقتصادی ایران در ایتالیا بودم، به ایران آمد، مرحله‌ی را هم برای ثبت سرمایه طی کرد؛ ولی خب هیچ سرمایه‌ای وارد نکرد. در واقع توتال آمده بود با یک نمایش اقتصادی اراده سیاسی اروپا برای حضور در حوزه‌های راهبردی سرمایه‌گذاری در ایران را القا کند؛ اما واقعیت این بود که اروپا با هیچ‌گاه نخواست با نتوانست موافق همکاری‌های راهبردی اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران را رفع کند. در واقع همان زمان که توتال وارد ایران شده و مجوز سرمایه‌گذاری خود را دریافت کرده بود، این گاهی حداقل در اروپا و مسئولان توتال وجود داشت که موافق چنین سرمایه‌گذاری راهبردی در ایران از سوی غرب رفع نشده است. پس چرا آمد؟ چون با انگیزه‌ای سیاسی می‌خواست این‌گونه القا کند که موافق در حال رفع‌شدن است تا ایران همکاری‌های پایدار خود با شرکای به نسبت مطمئن‌تر را ایجاد نکرده یا همکاری‌های موجود خود را متزلزل کند. این شیوه معطل‌سازی ایران حتی در دوره بعد از خروج آمریکا از برجام هم استمرار پیدا کرد.

◆ **میزان سرمایه واقعی که بعد از امضای برجام جذب شد، چقدر بود؟**
زمان آمار اعلام شد که حدود ۱۰۰۴ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب شده، در حالی‌که از این مقدار فقط مجوز ۱۰۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی باطل شد.

◆ **انحراف آماری وحشتناک است...**

همین‌طور است. اگر شما مصوبات باطل‌شده را کنار نگذارید، چنین انحرافی ایجاد می‌شود و آن وقت این انحراف هم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی‌تان مؤثر است و هم در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی‌تان مؤثر است و باز ایجاد می‌کند.

◆ **شما از ورود چیزی نزدیک به پنج میلیارد دلار سرمایه خارجی در دولت سیزدهم صحبت می‌کنید. در کشوری که شبکه بانکی آن تحریم است، سرمایه چگونه وارد می‌شود؟**

همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم بخش عمده‌ای از سرمایه مورد نیاز خطوط تولید مربوط به تجهیزات و مواد اولیه است و در حال‌حاضر که شبکه مالی ایران تحریم است، سرمایه‌گذار خارجی تجهیزات مواد اولیه موردنیاز خود را از خارج کشور خریداری کرده و آن را به ایران منتقل می‌کند؛ بنابراین بخشی از سرمایه خارجی به این شکل وارد ایران می‌شود.

◆ **رصد نمی‌شود؟**

این دیگر به خود آن فرد بستگی دارد. من و دوستانی که در دولت و سازمان سرمایه‌گذاری هستیم، معتقدیم تحریم دو چهره دارد. وقتی کشوری شما را تحریم می‌کند، یک مفهوم عینی را می‌خواهد به دنیا منتقل کند و آن اینکه توسعه‌کشور تحریم شده، در جهت منافع کشور تحریم‌کننده نیست. در مقابل کشورهایی هم وجود دارند که منافع‌شان در گرو توسعه جمهوری اسلامی ایران است. مثلاً همین روسیه که با وجود تحریم ایران، اولین سرمایه‌گذار خارجی در ایران محسوب می‌شود. درحقیقت این شیوه نگاه به تحریم همان مفهومی است که من و مجموعه دولت داریم و آن را دنبال می‌کنیم. یعنی چه؟ یعنی در عین‌اینکه داریم با غرب مذاکره می‌کنیم (خود من هم یکی از اعضای تیم مذاکرات احیای برجام بودم) در همان حال، به دنبال ریزینی را رقبای کشور تحریم‌کننده ایران هم هستیم، با این نگاه که قطعاً ما می‌توانیم با آنها فصل مشترک‌هایی را پیدا کنیم که بتوانیم توسعه اقتصادی‌مان را در سیرری که خودشان تشخیص می‌دهیم، حرکت دهیم.

◆ **در حال حاضر بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران خارجی در ایران از چه کشورهایی هستند؟**

بیشترین سرمایه خارجی که سال گذشته وارد ایران شده، از سمت روسیه بوده است. در درجه دوم و با فاصله زیاد امارات و سپس افغانستان بیشترین سهم را داشته‌اند. بعد از افغانستان ترکیه و سپس چین در رده‌های بعدی هستند. در واقع بیشتر از ۵۰ درصد سرمایه‌گذاری فقط متعلق به روسیه است و ۵۰ درصد بقیه هم بین بقیه کشورها توزیع شده است.

◆ **چرا چین برخلاف روسیه رغبتی به سرمایه‌گذاری در ایران نشان نداده است؟**

در هر کشوری مدل مدیریت روابط خارجی با کشور دیگر متفاوت است. یک کشوری مثل چین از سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر انگیزه اقتصادی دارد؛ اما ما چندان اولویت‌های اقتصادی‌مان را حداقل در دوره‌های گذشته با چین دنبال نکردیم؛ یعنی ما عمدتاً نه با چین بلکه با هیچ کشوری «تأمین مالی توسعه‌کشور از طریق گسترش روابط اقتصادی خارجی» را مدنظر نگرفتیم. چرا؟ چون ما پشمان به پول نفت گرم بوده است، من خاطرم هست زمانی در مأموریت خارجی که به کره جنوبی داشتم، تحلیلگری کرای پرسید که چرا ایران در پروژه‌های اقتصاد این‌قدر بی تفاوت عمل می‌کند؟ و همکار او جواب داد که چون آنها نفت دارند. به یاد می‌آورم که آن زمان میزان واردات کره حدودا ۴۵۰ میلیارد دلار و میزان صادراتش ۴۷۰ میلیارد دلار بود؛ یعنی فرایندی به عظمت تجارت ۹۰۰ میلیارد دلاری شکل گرفته بود تا برونده آن تنها ۲۰ میلیارد دلار برای توسعه این کشور ایجاد بشود. همان مقطع ما‌راد تجاری ایران با پول نفت حدود ۸۰ میلیارد دلار پول بدون زحمت بود؛ دولت خوب در ایران همواره دولتی بوده است که بهتر بتواند درآمدها و ثروت را توزیع کند؛ درحالی‌که در همه جای دنیا دولت خوب دولتی است که بهتر بتواند ثروت را تولید کند؛ ولی الان دیگر آن سبو بشکست و آن پیمانہ ریخت. الان برای توسعه چاره‌ای جز اینکه به سمت تولید برویم، نداریم.

◆ **روس‌ها بیشتر در چه بخش‌هایی از اقتصاد ایران سرمایه‌گذاری کرده‌اند؟**

تا امروز که در خدمت شما هستیم، عمده سرمایه‌گذاری‌شان در حوزه نفت و صنایع وابسته به نفت بوده است. عمده که نه، تقریباً همه سرمایه‌گذاری‌ای که از روسیه تا امروز وارد ایران شده و طرح‌های آن کلید خورده است.

◆ **در سرمایه‌گذاری‌های خارجی به‌ویژه از سمت چین و روسیه، نگرانی عموم لحاظ‌نشدن منافع ملی است. مسائلی که پیرامون خشک‌کردن هورالعظیم یا صید ترال از طرف چینی‌ها مطرح شد، این نگرانی‌ها را تشدید کرد. این موضوع چقدر ردغنده دولت است؟**

خواسته عموم مردم زندگی بهتر است و ما هم باید همه تلاش‌مان را بکنیم که در حد مقدرات‌مان به این خواسته جامه عمل بپوشانیم؛ اما درباره صید ترال باید بگویم که مسئله اصلاً به این شکلی که در رسانه‌ها مطرح شد نبود و در واقع شرکت‌هایی که عمدتاً ایرانی بودند، کشتی‌های چینی و خدمه آن را اجاره کرده بودند. دیپلمات‌ها هیچ



عکس: سپید تانگی، شرق

قرار می‌گیرد، بعد سرمایه‌گذار را انتخاب کنیم؛ یعنی فقط نگاهمان به سرمایه‌گذار این نباشد که پولی را آورد (به‌ویژه در حوزه‌های راهبردی). یک مقداری پول آورد، خب! این پول را آورد که چه اتفاقی بیفتد؟ پس هوشمندانه باید سرمایه‌گذار خارجی بیاید در حوزه‌ای که مدنظر ماست، وارد شود.

من از نگاه یک دیپلمات و نه از نگاه مسئول سازمان سرمایه‌گذاری به شما می‌گویم؛ ۹۰ درصد مواردی که سرمایه‌گذاری خارجی در ایران تحقق پیدا نمی‌کند، به این موضوع برمی‌گردد که ما انگیزه سرمایه‌گذار را شناسایی نمی‌کنیم و بعد در طول مسیر با آن دچار مشکل می‌شویم که چرا سرمایه‌گذار دارد این کار را می‌کند و چرا آن کار را می‌کند؟ یا با انگیزه سرمایه‌گذار برای خودمان منافع مشترک تعریف نمی‌کنیم.

این در حالی است که باید از ابتدا بدانیم که او برای سود آمده است و فکر کرده می‌تواند با ما منافع مشترکی تعریف کند و ما هم در همان حوزه باید به منافع مشترک با سرمایه‌گذار برسیم. آن وقت دیگر برای ما خیلی فرقی نمی‌کند که هند می‌خواهد وارد آنجا شود سرمایه‌گذاری کند یا چین با کشور دیگری می‌خواهد وارد شود و آن چیزی که برای ما مهم است، این است که ببینیم کدام سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند حداکثر منافع ما را تأمین کند و سپس ما از کارهای متناقض ربهیز کنیم، ما متأسفانه در اکثر پروژه‌هایمان با این مشکل مواجه هستیم که نتوانستیم این موضوعات را قبل از ورود سرمایه‌گذار با خودمان تعیین تکلیف کنیم.

◆ **ایرانیان خارج از کشور چقدر در ایران سرمایه‌گذاری کرده‌اند؟**
وقتی می‌گویم امارات یعنی مبدا سرمایه امارات است، اما این به آن معنا نیست که سرمایه‌گذار لزوماً اماراتی است و ممکن است ایرانی ساکن امارات باشد. در مجموع اگر بخواهیم حجم سرمایه‌گذاری ایرانیان خارج از کشور را در محاسبات بیاوریم، باید بگویم که پس از روسیه و امارات، ایرانیان خارج از کشور بیشترین سرمایه خارجی را به ایران آورده‌اند.

◆ **ایران از نظر فضای کسب‌وکار رتبه جالبی در رتینگ‌های بین‌المللی ندارد. قوانین مزاد و دست‌وپاگیر چقدر در انصراف سرمایه‌گذاران خارجی تأثیر داشته است؟**

متأسفانه این دست موافع مقابل سرمایه‌گذاران خارجی بسیار زیاد است و موارد متعددی وجود دارد که افراد خودسرانه برای سرمایه‌گذار مانع ایجاد می‌کنند. مواعی که به راحتی قابل حل‌وفصل است. مثلاً می‌بینید که سرمایه‌گذار خارجی می‌گوید یک ستری مدارک نیاز دارم و می‌خواهم در همان منطقه‌ای که سرمایه‌گذاری کردم این مدارک را دریافت کنم. ولی مجموعه‌های نهادهای داخلی می‌گویند که سرمایه‌گذار خارجی که الان فرضاً در چابهار حضور دارد، اول بلند شود به تهران بیاید ما ببینیم که این آدم همانی است که می‌گوید من این مدارک را می‌خواهم یا نه؟ بعد که به تهران آمد و مدارک را تکمیل کرد، دوباره برگردد برود و مجدداً دو هفته دیگر به اینجا بیاید که ما ببینیم حالا می‌توانیم مدرک را به او بدهیم یا نمی‌توانیم! خب نتیجه این چه می‌شود؟ نتیجه این می‌شود که سرمایه‌گذار خارجی خسته می‌شود و رغبتی به آوردن سرمایه ندار نمی‌دهد. خیلی وقت‌ها خیلی از موافع سرمایه‌گذار خارجی که ایران همین چیزهاست. حالا ما کاری که در سازمان داریم انجام می‌دهیم، استخراج نظام حل مسائل سرمایه‌گذار است و باید به سمتی برویم که روابط سرمایه‌گذار با سازمان‌ها در ایران را تسهیل کنیم. زمانی که ما شروع به کار کردیم یعنی سال آخر دولت قبل، میزان جذب سرمایه معتبر در یک سال قبل از دولت سیزدهم ۲۰۲ میلیارد دلار بود که امسال به حدود پنج میلیارد دلار رسید. فکر می‌کنم اگر موافع این مسیر را در داخل ایران رفع کنیم، بتوانیم روند سرمایه‌گذاری در ایران را با بهبود چشمگیری رشد دهیم.

◆ **این روزها از بسته‌شدن بنجره گفت‌وگوهای احیای برجام زیاد صحبت می‌شود. با این چنین‌انداز واقعا به رشد سرمایه‌گذاری خارجی در ایران خوش‌بین هستید؟**

برای من خوش‌بین هستم. البته به همکاری دستگاه‌های دیگر نیاز داریم؛ یعنی همه به این نتیجه برسیم که واقعا هر کس‌ی در هر جایگاهی هرچند کوچک، به این دیدگاه برسد که کار سرمایه‌گذار را راه بیندازد و مانع ایجاد نکند.

برکناری معاون ارزی بانک مرکزی بارکوردشکنی دلار

هم زمان با رکوردشکنی قیمت دلار، معاون ارزی بانک مرکزی برکنار شد و با حکم رئیس کل بانک مرکزی، محمد آرام به سمت معاون ارزی بانک مرکزی منصوب شد.

به گزارش ایسنا، طبق اعلام قمری‌وفا، مدیر روابطعمومی بانک مرکزی، افشین خانی از معاونت ارزی این بانک برکنار و با حکم صالح‌آبادی به سمت مشاور رئیس کل بانک مرکزی منصوب شد.

گفتنی است خانی از دی‌ماه ۱۴۰۰ معاون ارزی بانک مرکزی بود.

ناشی از محدودیت گازسانی انجام می‌شده و تأثیری بر تعهدات ارزی یا تغییر قیمت ارز نداشته است. ۵- درحال حاضر براساس اعلام بانک مرکزی میزان عرضه ارز در سامانه نیما بیشتر از تقاضای آن است و کمبودی در این زمینه وجود ندارد. ۶- توقف یا کاهش فعالیت برخی از مجتمع‌های پتروشیمی مانند متانول‌ساز ناشی از اشباع بازار محصول آنها و کاهش قیمت جهانی آن است؛ به طوری که ادامه تولید تا اصلاح شرایط بازار صرفه اقتصادی ندارد؛ لذا بعضی از این مجتمع‌ها به منظور مدیریت شرایط بازار اقدام به کاهش تولید نموده‌اند که این موضوع از جهت ذکرشده ارتباطی با محدودیت گازسانی ندارد.